

زندگی مؤمنانه، جلسه دوم

عرفه، معرفت و عرفان

سیری در دعای عرفه منسوب به امام حسین و دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه



محسن کدیور

۲۹ تیر ۱۴۰۰

به مناسبت روز عرفه (سه شنبه ۹ ذیحجه ۱۴۴۲) که در زمره برجسته ترین ایام نیایش در سال است، دومین جلسه زندگی مؤمنانه به پیشنهاد برگزارکنندگان محترم این جلسات به دعای عرفه اختصاص دارد، و به شکل دقیق تر به سیری در دو دعای مشهور این روز یعنی دعای منسوب به سید الشهداء امام حسین بن علی (ع) در روز عرفه و صحرای عرفات، و دعای منسوب به امام علی بن الحسین زین العابدین (ع) در صحیفه سجاده در این روز (دعای چهل و هفتم) که طولانی ترین نیایش صحیفه سجاده است می پردازد. کوشش می شود در این دو دعا ابعاد زندگی مؤمنانه دنبال شود. برای نظم بیشتر هم چنان که در اعلان جلسه آمده به پرسشهای مشخصی پاسخ داده شود. این جلسه شامل چهار بخش به شرح ذیل است: کلیاتی درباره دعا و عرفه؛ زبان، متن و سند دعا؛ تحقیق درباره سند دعای عرفه امام حسین و صحیفه سجاده؛ و مهمترین مضامین دو دعای عرفه.

بخش اول. کلیاتی درباره دعا و عرفه

این بخش شامل پنج بحث به شرح ذیل است: نقش دعا در زندگی مؤمنانه، زمان دعا، شرایط استجابت دعا، جایگاه ایام خاص در استجابت دعا، و آداب خاص روز عرفه.

بحث اول. نقش دعا در زندگی مؤمنانه

پرسشهای اصلی این بحث: دعا و نیایش در زندگی مؤمنانه چه نقشی دارد؟ آیا زندگی مؤمنانه بدون دعا ممکن است؟ دعا، نیایش یا مناجات سخن گفتن انسان با خداوند است، در حالی که کتب سماوی از قبیل قرآن سخن گفتن خداوند با انسان است. قرآن کلام نازل خداوند است و دعا کلام صاعد به سوی خداوند است. در دعا

انسان مطالبات خود را با خداوند در میان می‌گذارد و اجابت آنها را از خدا می‌طلبد. زندگی مؤمنانه بدون کلام نازل خداوند (در اسلام: قرآن) و کلام صاعد به سوی خداوند (یعنی دعا) بی‌معنی است. در حقیقت زندگی مؤمنانه حاصل یک گفتگوی صمیمانه بین خالق و مخلوق، رب و مربوب، عاشق و معشوق، و انسان و خداوند است. دعا طرف انسانی این گفتگوست و قرآن طرف الهی آن.

خدا خود ما را به دعا و تقاضا از محضرش فراخوانده است: وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ (غافر ۶۰) پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم.» وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره ۱۸۶) «و هنگامی که بندگان من، از تو در باره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند).»

دعا نقشی بسیار سازنده در زندگی مؤمنانه دارد. انسانی که با خدا راز و نیاز نمی‌کند مؤمن نیست، مثل عاشقی که با معشوق مغازله نمی‌کند و از او چیزی نمی‌خواهد. معشوق دوست دارد عاشق از او چیزی بخواهد. معشوق مطلق البته غنی و بی‌نیاز است و از خواستن عاشق طرفی نمی‌بندد. این عاشق و داعی است که در فرایند دعا ساخته می‌شود و شخصیت ایمانیش شکل می‌گیرد. در ضمن دعا انسان به فقر و نیازمندی ذاتی خود اعتراف می‌کند و از خدا کمک می‌خواهد تا خود را بسازد و بالا بکشد. اساس دعا توبه انسان، کوشش برای پالودن جان و تقاضای بخشش از خداوند است و مقصود اصلی تقرب به حضرت حق و دستیابی به خوشبختی حقیقی است که در آخرت اتفاق می‌افتد. البته درخواست رفع حوائج دنیوی نیز بخشی از دعاست که هرچه درجه وجودی آدمی بالاتر برود درصد کمتری از مطالبات آدمی را تشکیل می‌دهد. یکی از طرق خودشناسی این است که ببینیم چه می‌خواهیم و مطالبات موقت دنیوی چه سهمی در مطالبات ما از خداوند دارد. اگر بخش اصلی مطالبات یا تمام

آن دنیوی است بدانیم مبتدی هستیم و هنوز به خم اول کوچه معرفت هم نرسیده ایم. البته همینکه دعا می کنیم و از خدا مطالبات کوچک و بزرگمان را می خواهیم یعنی جهت را درست تشخیص داده ایم و قدم در راه گذاشته ایم. به میزانی که در طول روز به یاد خدا هستیم و با او سخن می گوئیم و از او چیزی می خواهیم و او را داور کردار و گفتار خود می دانیم و به او امید داریم مؤمن هستیم. اگر در طول نماز به مفهوم آن توجه داشته باشیم و از ته دل او را بخوانیم که «ایاک نعبد و ایاک نستعین» (فقط ترا می پرستیم و فقط از تو یاری می جوئیم) و «اهدنا الصراط المستقیم» (ما را به راه راست هدایت کن) (حمد ۶-۵) این کف دعای واجب روزانه یک مسلمان است.

بحث دوم. زمان دعا

پرسشهای بحث: آیا دعا و نیایش با خداوند روز و زمان خاصی دارد یا هر زمان می توان با خداوند عاشقانه و صمیمانه راز و نیاز کرد؟ پاسخ: دعا زمان خاصی ندارد، همیشه و هر جا می توان دعا کرد و خدا را خواند. هر زمان حال دعا داریم همان زمان وقت دعاست. معمولاً وقتی کارها خوب پیش می رود نیازی به دعا و خدا احساس نمی کنیم، وقتی حاجتی داریم، با مشکلی برخورد کرده ایم که از طرق عادی حل نمی شود و از همه جا وامانده ایم یاد خدا می افتیم و اگر مشکل صعب العلاج و لاینحل است، دیگر جز خدا کسی نیست که سراغش برویم. این برخورد کاسب مآبانه با خداست. فقط وقتی کارش داریم دعا می خوانیم، مسجد و زیارت اماکن مذهبی می رویم، و انفاق می کنیم تا حاجاتمان روا شود، مشکلمان رفع شود، و بیمارمان شفا یابد. البته خدا آن قدر کریم و بزرگواریست که همین دعاها را کاسب مآبانه را هم رد نمی کند و هر حاجت مند دل شکسته ای را تحویل می گیرد.

دعا کردن فقط مال ایام مشکل، مصیبت و بیماری نیست. در این ایام که تقریباً همگان یاد خدا می افتند. هنر این است که در ایام سلامت، رفاه و خوشحالی به یاد او باشیم و دعا کنیم که نعمتهای سلامتی، رفاه و حال خوش را از ما سلب نکند. اگر با خدا دوست، رفیق و مثل کف دست صاف و صادق باشیم و رابطه حسنه ای داشته

باشیم و با راز و نیاز و دعا به درگاه او انس داشته باشیم مطمئناً دعاهایمان بیشتر اجابت می شود. به هر حال هیچ زمانی نیست که دعا در آن ممنوع باشد. دعا مشروط به هیچ زمان خاصی نیست. لازم نیست برای دعا به مسجد و حرم پیامبر و ائمه برویم، هر جا خدا را خالصانه و با دل شکسته بخوانیم دعا امکان استجابت دارد. حتی لازم نیست غسل و وضو داشته باشیم، حتی اگر برای نماز واجب به غسل یا وضو نیاز باشد، دعا مشروط به آنها نیست. دعا قلب پاک و پاکیزه می خواهد. لازم نیست رو به قبله هم باشی. البته مستحب است رو به قبله، با غسل و وضو در مکانهای متبرک و زمانهای خاص دعا کنیم، اما اینها استحبابی است، هر زمان دلت هوای او کرد و نیاز به سخن گفتن با او داشتی بدون هیچ پیش شرط و شرطی او می شنود و امکان اجابت هست.

بحث سوم. شرائط استجابت دعا

پرسش اصلی بحث: به طور کلی برای استجابت دعا چه باید کرد؟ استجابت دعا دو دسته شرط دارد. دسته اول واجب، دسته دوم مستحب. شروط واجب دو تا بیشتر نیست: اخلاص و توبه. اخلاص یعنی دعا ریایی نباشد، فقط از او خواسته شده باشد نه از غیر او. به زبان ساده تر شیشه پيله در آن نباشد، صاف و صادق از خدا تقاضا شده باشد، زلال و بلوری، خالصانه و صادقانه، کاملاً خودمانی، و خلاصه با قلب شکسته.

اما شرط دوم یعنی حق الناس و حق الله به گردنش نباشد. اگر به حقوق احدی تجاوز کرده بدون ادا کردن آن استجابت دعا خیلی دشوار است. اینها باعث حبس دعا می شود، مانع اجابت دعا می شود. اول حق الناس را ادا کنیم بعد در خانه خدا برویم. نقض حقوق الهی یعنی ارتکاب گناه و معصیت هم با توبه و عزم بر عدم تکرار گناه محقق می شود. البته خود توبه هم قسمی از دعاست. در هر حال گام اول دعا بعد از ادای حق الناس توبه و پاک کردن خانه دل از زنگار گناه است. با دل چون بلور پاک و پاکیزه به محضر او بشتاییم و از سویدای دل دعا کنیم.

اما دسته دوم شروط امور استحبابی است از قبیل پاکیزه بودن بدن و لباس، یا غسل کردن، وضو گرفتن، رو به قبله نشستن، به مسجد و حرم پیامبر، ائمه و اولیاء رفتن، دو رکعت نماز خواندن، و انتخاب زمانهای مناسب دعا.

بحث چهارم. جایگاه ایام خاص در استجابت دعا

پرسش این بحث: ایام خاص از قبیل ماههای رجب، شعبان، رمضان و دهه اول ذیحجه خصوصاً روز عرفه چه جایگاهی در استجابت دعا دارد؟ در طول شبانه روز سحرگاه بهترین وقت دعا کردن است. از جمله اوقات توصیه شده دعا بعد از نمازهای واجب است. در طول هفته شب جمعه و روز جمعه اوقات ممتاز دعاست. در سال صد روز بهار عبادت است: سه ماه رجب، شعبان و رمضان و دهه اول ذیحجه. دو عید بزرگ فطر و اضحی ملحق به این ایام هستند. یکی از ممتازترین روزهای این سده دعا و عبادت روز عرفه است. روایات فراوانی در تشویق مومنین به دعا در این ایام وارد شده است. در زندگی مؤمنانه این صد روز مواظبت می شود و ارتباط با خداوند و مناجات و راز و نیاز جاری حداقل دو برابر می شود. در این صد روز ماه مبارک رمضان (خصوصاً لیالی قدر) و روز عرفه فضیلت بیشتری دارند. قدر این ایام را بدانیم. در تقویم خود به این ایام توجه بیشتری کنیم.

بحث پنجم. آداب خاص روز عرفه

پرسش این بحث: آداب خاص روز عرفه چیست؟ اگر مومن روز عرفه در حال حج یا عمره باشد آداب خاصی دارد که در کتب مناسک آمده است، از جمله وقوف در صحرای عرفات از ظهر تا مغرب روز عرفه. در غیر این صورت برای کسانی که توانایی دارند روزه گرفتن در این روز استحباب فراوان دارد. غسل و صدقه در راه خدا دو عمل دیگر مستحبی این روز است. اما مهمترین عمل مستحب بعد از ظهر عرفه دعا و استغفار به درگاه پروردگار است، از جمله قرائت دعای عرفه منسوب به امام حسین و امام سجاد (علیهما السلام). این اهم اعمال

روز عرفه است، برای آشنایی با آداب شب و روز عرفه به کتب دعا مراجعه کنید. عرفه به معنی ادراک، فهم و شناختن چیزی همراه با تفکر و تدبیر در آثار آن است. نام عرفه از سرزمین عرفات (جایی در مکه که باید در این روز در آن وقوف کرد) گرفته شده است. عرفه روز معرفت و عرفان است، شناخت ظاهری و باطنی خداوند. شب و روز عرفه یکی از اوقات ممتاز در تقویم مؤمنان است.

بخش دوم. زبان، متن و سند دعا



این بخش شامل چهار بحث به شرح ذیل است: فقط دعای مأثور؟ فقط دعای عربی؟ لزوم تحقیق سندی دعاها، مأثور، و کفایت علو مضمون؟

بحث اول. فقط دعای مأثور؟

پرسش اصلی بحث: آیا هر متنی را می توان به عنوان دعا خواند یا الزاماً دعا باید املا شده خداوند، پیامبر یا امامان (به اصطلاح دعای مأثور) بوده باشد؟ پاسخ: با فضیلت ترین دعاها ادعیه قرآنی است، یعنی دعاهایی که خدا در کتابش به ما تعلیم داده است. پس از آن دعاهایی که مطمئناً توسط پیامبر و در درجه بعد توسط ائمه املا شده است و به اعتبار سندی آنها اطمینان باشد. اما ادعیه مجاز منحصر در ادعیه قرآنی، یا ادعیه نبوی یا به طور کلی

ادعیه مأثور نمی شود، و هر متنی که شامل ستایش خداوند و ادب درخواست از محضر ربوبی باشد خواندنش مجاز و احتمال استجاب دارد، حتی اگر یقین داشته باشیم املای خدا، پیامبر و ائمه هم نیست.

آنچه لازم است این است که دعا با موازین کتاب و سنت ناسازگار نباشد (حتی سازگاری شرط نیست، عدم ناسازگاری شرط است که وسیع تر از لزوم سازگاری است). به شکل مشخص از دعاها ساختن و پرداخته و پرداخته غلات باید به شدت پرهیز کرد. اینکه تفکر و مرام غالیانه چیست در جلسه مستقلى باید به آن پرداخت. اجمالاً دعایی که توکل به خداوند از متن دعا به حاشیه برده شده باشد دعای معتبر و مجازی محسوب نمی شود.

بحث دوم. فقط دعای عربی؟

پرسش بحث: آیا باید الزاماً دعا به عربی باشد یا خواندن دعا به هر زبانی مقبول است؟ آیا می توانیم به جای متن عربی دعاها عرفه ترجمه فارسی آنها را بخوانیم؟ پاسخ: زبان اسلام عربی است. دعاهاى مأثور معتبر هم همگی به عربی هستند، اما دعا را می توان به زبانی خواند که برای دعا کننده مفهوم باشد. استفاده از ترجمه ادعیه مأثور هیچ اشکالی ندارد. البته باید کوشید از ترجمه های وفادار به متن دعا استفاده کرد. در هر حال شرط استجاب دعا اخلاص است نه زبان عربی. در مورد دعای عرفه هم قرائت ترجمه فارسی دعای منسوب به امام حسین یا صحیفه سجادیه هیچ اشکالی ندارد. حتی اگر در این روز دعای دیگری چه مأثور چه غیرمأثور خوانده شود مشکلی ندارد. مهم این است که بعد از ظهر عرفه مومن دعا بخواند، خالصانه هم بخواند، نه زبانش ملاک است نه دعایش.

بحث سوم. لزوم تحقیق سندی دعاهاى مأثور

پرسش این بحث: آیا تحقیق سندی دعاهاى مأثور لازم است؟ چرا؟ پاسخ: قول مشهور در میان فقها بر طبق قاعده ای به نام «تسامح در ادله سنن» یا ساده گیری در ادله امور مستحب این است که در مستحبات نباید سخت گیری کرد و حتی اگر فعل مستحب انتسابش به پیامبر یا ائمه قابل اثبات نباشد فرد به صرف عمل به مفاد آن و نیتش

به ثواب مورد نظر دست می یابد. بر این مبنا دعا‌های ماثور ولو سندشان ضعیف باشد قرائتشان شرعا اشکالی ندارد و دعاکننده به ثواب کامل می رسد. نتیجه عملی این قاعده، عدم لزوم تحقیق سندی ادعیه و رواج ادعیه ماثور غیر معتبرالسند است.

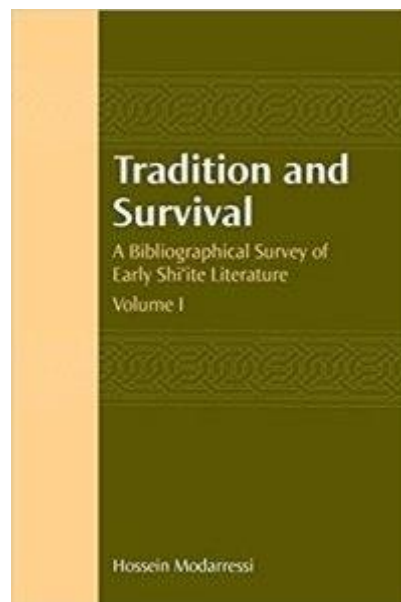
سند روایات قاعده تسامح در ادله سنن قابل مناقشه است و انتساب هر فعل یا قولی به پیامبر و ائمه نیاز به اعتبار سندی دارد. در ادعیه ملاک تنها کسب ثواب نیست، اگر دعا قرار است یکی از منابع معرفت و عرفان باشد اینکه انتسابش به پیامبر یا ائمه محرز یا حداقل مطمئن است مهم است. مطابق تحقیقات انجام شده انتساب بسیاری از ادعیه رایج به پیامبر یا ائمه قابل اثبات نیست، به عبارت دیگر از اعتبار سندی برخوردار نیستند یا اصلا سند ندارند.

البته اگر متن دعا اعوجاجی نداشته باشد و با موازین کتاب و سنت ناسازگار نباشد «بدون انتساب به پیامبر یا ائمه» خواندن چنین دعا‌هایی هیچ اشکالی ندارد. برای مثال دعای جوشن کبیر از قرن نهم به بعد پیدا شده و به احتمال قوی ساخته برخی علمای خوش ذوق است، اما خواندن آن هیچ مشکلی ندارد. در مقابل دعاها و زیاراتی که با موازین کتاب و سنت ناسازگار هستند و اعوجاج متنی دارند و علی الاغلب مشکل سندی هم دارند و به احتمال قوی محصول کارخانه حدیث سازی غلات است که به برخی ائمه هم نسبت داده می شوند و غالبا از دوران صفویه جزء رسوم رایج شیعی هم شده اند قرائتشان نادرست است و دلیلی هم بر اجابت و ثوابشان در دست نیست. با توجه به سیطره روش غالیانه بر اندیشه شیعی از حدود قرن پنجم نمی توان بدون تحقیق سندی و متنی هر دعایی را خواند. اگر دعا سند معتبری ندارد حداقل متنش باید اعوجاج نداشته باشد با موازین کتاب و سنت ناسازگار نباشد. در این زمینه تحقیق درباره دعا‌های ماه رمضان را مستقلا منتشر کرده ام. (۱)

بحث چهارم. کفایت علو مضمون؟

پرسش این بحث: آیا مضمون عالی یک دعای فاقد سند یا با سند ضعیف برای اعتبار آن کفایت می‌کند؟ پاسخ: قاعده عملی مشهوری است که فلان حدیث یا بهمان دعا عالیة المضامین است و جز از معصوم (ع) نمی‌تواند صادر شده باشد، در نتیجه در چنین مواردی نیاز به اعتبار سند نیست و به اصطلاح علو مضمون جابر ضعف یا فقدان سند است. برای این قاعده نقضهای فراوانی است، به علاوه این قاعده دلیلی بر اعتبارش نیست. در مورد ادعیه اگر متنشان اعوجاج نداشته باشد و با موازین کتاب و سنت ناسازگار نباشد دعا بدون هیچ اشکالی قابل قرائت است، هرچند علو مضمون یا بدون اعوجاج بودن آن باعث نمی‌شود آن را به پیامبر یا ائمه نسبت دهیم. به عبارت دیگر انتساب به پیامبر یا ائمه امری مجزا از علو مضمون است.

بخش سوم. تحقیق درباره سند دعای عرفه امام حسین و صحیفه سجادیه



این بخش شامل دو مبحث مهم است: تحقیق در سند صحیفه سجادیه و تحقیق در سند دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع).

مبحث اول. تحقیق در سند صحیفه سجادیه

پرسش اصلی این مبحث: آیا دعا‌های صحیفه سجادیه از جمله دعای عرفه قابل انتساب به امام سجاد (ع)

هستند؟ این مبحث شامل دو بحث است: تحقیق کتاب میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین درباره صحیفه سجادیه، و سند صحیفه سجادیه و دعای عرفه در یک نگاه.

بحث اول. تحقیق کتاب میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین درباره صحیفه سجادیه

درباره کتاب صحیفه سجادیه خلاصه تحقیق دکتر سید حسین مدرسی را از کتاب «میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین» (۲) عینا نقل می‌کنم: «امام صادق (ع) به یکی از اصحابش متن دعایی از امام زین العابدین (ع) را نشان داد که در صفحات یک دفتر قدیمی ثبت شده بود (اوراق من صحیفه عتیقه). (۳) نزدیک ۵۴ قطعه دعای بلند و کوتاه، برخی برای تمامی اوقات و برخی برای مناسبت‌های ویژه (مانند جمعه، رمضان و غیره) در یک مجلد تحت عنوان صحیفه کامله گردآوری شده است. این کتاب اگرچه امروز در میان شیعه امامیه دارای احترام فراوان است، اما این پذیرش و اقبال عمومی از چهار قرن فراتر نمی‌رود. (۴)

این کتاب [صحیفه سجادیه موجود] با داستانی درباره آغاز تالیف آن شروع می‌شود. این حکایت سندی دارد که از اواسط قرن ششم شروع شده و به ابتدای قرن دوم باز می‌گردد. (۵) این داستان درباره «یک دعا» صحبت می‌کند نه درباره «یک کتاب» که مشتمل بر ادعیه فراوان باشد. تنها در اواخر داستان جمله‌ای است که به نظر می‌رسد بعداً به متن افزوده شده، و روال را تغییر داده و از «۶۴ دعا» سخن می‌گوید که در آن مجموعه گنجانیده شده است (نسخه‌های معروف و شناخته شده صحیفه معمولاً حداکثر مشتمل بر ۵۴ دعا می‌باشد!) [دورجالی بزرگ متقدم شیعه] نجاشی و شیخ طوسی در کتاب فهرست نیز تنها از یک دعا به عنوان دعاء الصحیفه یاد می‌کنند. (۶) بنابراین محتمل است که این کتاب با یک دعا شروع شده که در ابتدای آن داستانی با سند آمده بود که به همان متن مربوط بوده و سپس متون دیگر در دوره‌های بعد بر آن افزوده شده است.

میان نسخه‌های این کتاب اختلافات بسیاری هم در تعداد ادعیه و هم در متن دقیق هر دعا وجود دارد، مطلبی

که علمای گذشته هم یادآور شده اند (۷) قدیمی ترین نسخه خطی این اثر با تاریخ کتابت سال ۴۱۶ که به کوشش کاظم مدیر شانه چی (مشهد ۱۴۱۳ق) انتشار یافته است تنها مشتمل بر ۳۸ دعا است. نسخه مسجد جامع صنعاء که اصل آن به نسخه خطی مورخ صفر سال ۳۶۷ باز می گردد با دعای شماره ۴۲ نسخه رایج فعلی پایان می یابد، ولی شاید ترتیب دعاها در این نسخه با نسخه رایج متفاوت باشد. متنی که امام صادق (ع) به شاگرد خود از صحیفه کهن ارائه فرمود دعای شماره ۴۹ نسخه رایج فعلی [دعاء فی دفع کید الاعداء و رد بأسهم: دعا در دفع نیرنگ دشمنان و برگرداندن اذیت و آزار آنان] است.

متونی که در این اثر [صحیفه سجادیه] فراهم آمده برخی از آنها به لحاظ متن و سبک و ساختار عبارات ویژگیهایی دارند که فی الواقع با روزگار امام سجاد (ع) و رفتار و خصوصیات ایشان چنانکه در منابع آمده انطباق دارد. همچنین متنی درباره زهد منسوب به ایشان وجود دارد (۸) که راوی اول آن آن را صحیفه ای یافته بوده است. صحیفه در اینجا ظاهراً به معنی برگ کاغذ یا پوست و در برابر روایت شفاهی می باشد. این متن به عنوان صحیفه علی بن الحسین فی الزهد شناخته می شود. از زمانی که این مجموعه شکل فعلی خود را در اواسط قرن ششم به دست آورده است مستدرکات مختلف و شروح متعددی بر آن تدوین و تالیف شده است. در حال حاضر کتاب «ادعیه الامام زین العابدین (ع)» (۹) با ۲۶۷ دعا و «الصحیفه السجادیة الجامعة» (۱۰) با ۲۷۰ متن دعا منتشر شده اند.» (پایان تحقیق منقول)

بحث دوم. سند صحیفه سجادیه و دعای عرفه در یک نگاه

یک. سند ابتدای کتاب صحیفه سجادیه مربوط به دعای چهل و نهم آن (دعا در دفع نیرنگ دشمنان و برگرداندن اذیت و آزار آنان) است نه کل کتاب. نجاشی و شیخ طوسی هم از «یک دعای امام سجاد» یاد کرده اند، نه از ادعیه متعدد در یک کتاب.

دو. دعای واحد امام سجاد در طول قرون بعدی افزایش یافته، در قرون چهارم و پنجم به حدود سی چهل دعا بالغ شده، و در قرن ششم به صورت فعلی با پنجاه و چهار دعا شکل گرفته است. تعداد دعا‌های منسوب به امام سجاد در دوران ما به دویست و هفتاد دعا رسیده است.

سه. رواج صحیفه سجادیه به عنوان سومین کتاب اسلام شیعی (بعد از قرآن و نهج البلاغه) از قرن یازدهم و دوران محمدباقر مجلسی در عصر صفوی است.

چهار. دعا‌های منسوب به امام سجاد به لحاظ تعداد ادعیه، ترتیب آنها، و متن هر دعا در نسخه های خطی یکسان نیستند، و انتساب قطعی هر دعا حتی هر عبارت یک دعا به امام سجاد (ع) دشوار است. پنج. سیاق کلی ادعیه موجود در صحیفه سجادیه با دیگر روایات به جا مانده از ایشان ناسازگار نیست، یعنی انتساب ادعیه به امام سجاد به طور کلی محتمل است.

شش. دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه درباره روز عرفه را نهایتاً می توان از ادعیه «منتسب به امام سجاد» به حساب آورد.

مبحث دوم. تحقیق در سند دعای عرفه منسوب به امام حسین

وضعیت سندی دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع) چگونه است؟ این دعا در چه کتابهای قدیمی دعای شیعی ذکر شده است؟ قسمت پایانی این دعا در کتب اقدم چگونه است؟ این مبحث را از تحقیقی که چند سال قبل منتشر کردم عیناً نقل می کنم. (۱۱) این مبحث شامل سه بحث به شرح زیر است: مدرک و متن دعا، سند دعا، مضمون دعای عرفه و فقره اضافه شده به آن.

بحث اول. مدرک و متن دعا

این دعا را برای نخستین بار سید بن طاووس (۶۶۴-۵۸۹) در کتاب اقبال الأعمال، سپس کفعمی (م. ۹۰۰) در کتاب

البلد الامین، و محمد باقر مجلسی (م ۱۱۱۱) در کتب زادالمعاد و بحار الانوار نقل کرده اند. دعای عرفه در اقبال الاعمال، البلد الامین و زادالمعاد با این عبارت آغاز می شود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ صَانِعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ» و با این عبارت پایان می یابد: «أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبَّ يَا رَبَّ».

مجلسی در بحار الانوار متن آن را طولانی تر نقل کرده و در انتهای آن زیادتى دیده می شود: «إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَاهِلًا فِي جَهْلِي يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالٍ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ». وی در ذیل این دعا توضیح داده که این اضافه که تقریباً به اندازه یک ورق است تنها در برخی نسخ اقبال آمده، در حالی که نسخ قدیمی اقبال خالی از آن است: «عبارات این ورقه با سیاق ادعیه سادات معصوم نیز سازگار نیست، و تنها بر مذاق صوفیه سازگار است. برای همین برخی افاضل به این نظر متمایلند که این ورقه از إضافات برخی مشایخ صوفیه و الحاقات و ادخالات ایشان است.»

مجلسی دو احتمال می دهد: یکی اینکه برخی صوفیه این فقره را در برخی کتب به دعا اضافه کرده باشند و سید بن طاووس بدون اطلاع از حقیقت حال آن را در اقبال نقل کرده است. احتمال دوم این است که این اضافه توسط سید بن طاووس انجام نشده، بلکه برخی این فقره را به بعضی نسخ اقبال اضافه کرده اند. وی احتمال دوم را اظهر می داند، بویژه که برخی نسخ قدیمی اقبال خالی از این فقره است. البته در بحار آمده که سید بن طاووس این دعا را منهای فقره مورد بحث در کتاب مصباح الزائر خود آورده است. در حالی که اصولاً این دعا در نسخه منتشر شده کتاب یادشده نقل نشده است!

بحث دوم. سند دعا

در اقبال سید بن طاووس و متن البلد الامین کفعمی دعا فاقد سند است: «ومن الدعوات المشرفة في يوم عرفة دعاء مولانا الحسين بن علي صلوات الله عليه». در حاشیه البلد الامین به نقل از مصباح الزائر سید بن طاووس برای نخستین بار دو راوی برای دعا ذکر شده است: «بشر و بشیر اسدی گفتند حسین بن علی (ع) در روز عرفه ...». آن چنان که گفته شد در نسخه منتشر شده مصباح الزائر اصلاً این دعا به چشم نمی خورد. اسم این دو نفر برای نخستین بار توسط مجلسی در زادالمعاد به متن منتقل شده است: «از جمله ادعیه مشهوره در روز عرفه دعای امام حسین (ع) است که آن را بشیر و بشر فرزندان غالب اسدی نقل کرده اند که ما در عصر عرفه نزد امام حسین (ع) در عرفات بودیم» بشر بن غالب اسدی کوفی از اصحاب امام حسین (ع) و امام سجاد (ع)، و بشیر بن غالب اسدی کوفی از اصحاب امام حسین (ع) معرفی شده اند. (۱۲) این دو راوی مجهول هستند و توثیق نشده اند. سند کفعمی یا سید بن طاووس به بشر و بشیر نیز کاملاً مجهول است. نتیجه: سند دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع) فاقد اعتبار است.

بحث سوم. مضمون دعای عرفه و فقره اضافه شده به آن

دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع) به لحاظ متن از زیباترین دعاها می باشد. در متن دعا اعوجاجی دیده نمی شود و با محکمت قرآنی و اصول معارف معتبر پیامبر (ص) و اهل بیت او (ع) نیز سازگار است. برخی آن را عالیة المضامین دانسته اند که جز از ائمه قابل صدور نیست. این مبنا اگرچه جای بحث دارد، اما خواندن دعا بدون انتساب به امام (ع) را بلا اشکال می کند.

جلال الدین همایی (متوفی ۱۳۵۹ ش) در پاورقی مقدمه کتاب «مولوی نامه» بعد از نقل این فقره نوشته است: «نکته مهم تازه ای که شاید برای نخستین بار از این حقیر می شنوید این است که تمام این فقرات را عیناً و بی کم و زیاد در نسخه قدیم کتاب «الحکم العطائیه» دیده ام شامل دعوات و مقامات عرفانی ابن عطاءالله اسکندرانی

شاذلی تاج الدین ابوالفضل احمد بن محمد صوفی عارف معروف سده هفتم هجری [متولد ۶۵۸] که وفات او را در سال ۷۰۹ نوشته اند، و مسلم دارم که در این باره تخیلی شده اما تفصیلش از عهده این حواشی خارج است. والله العالم.» بنابراین می توان گفت که این فقره - که اتفاقاً بسیار زیبا هم هست - بعد از وفات سید بن طاووس به برخی نسخه های اقبال اضافه شده است. مشابه این فقره در دیگر ادعیه دیده نمی شود. (پایان نقل قول از تحقیق سابقم)

بخش چهارم. مهمترین مضامین دو دعای عرفه



مهمترین قسمت جلسه شامل دو بحث به شرح زیر است: مهمترین مضامین دعای عرفه منسوب به امام حسین، و مهمترین مضامین دعای عرفه منسوب به امام سجاد (ع). (۱۳) تکیه من زیبایی این دو دعاست فارغ از اینکه گوینده آنها این دو امام همام بوده اند یا نه. خواهید دید که هر دو دعا جَدّا زیبا و عالیة المضامین هستند.

بحث اول. مهمترین مضامین دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع)

پرسش این بحث: مضمون مهمترین محورهای دعای عرفه منسوب به امام حسین کدام است؟ بیست و شش فقره از دعای زیبای عرفه را انتخاب کرده ام، (۱۴) فقره هایی که در من مؤثر بوده اند. امیدوارم در شما هم مؤثر باشند.

عبارات هر فقره را با ترجمه و توضیح بسیار مختصر مواردی که نیاز به توضیح دارد مرور می‌کنم. (۱۵) به این امید که در فرصتی دیگر توفیق شرح آنها را بیابم.

[۱] اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ، وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ. «خدایا چنانم کن که از تو خشیت داشته باشم، گویا که تو را می‌بینم؛ و با پرهیزگاری مرا خوشبخت گردان و به نافرمانی‌ات بدبختم مکن و خیر را در آنچه مقرر کردی برایم اختیار کن و به من در تقدیرت برکت ده تا شتاب آنچه را تو به تأخیر انداختی نخواهم و تأخیر آنچه را تو پیش انداختی آرزو نکنم.

[۲] اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي. «خدایا قرار ده بی‌نیازی را در روح و روانم، و یقین را در دلم، و اخلاص را در عملم، و نور را در دیده‌ام، و بصیرت را در دینم، و مرا به اعضایم بهره‌مند کن، و گوش و چشمم را دو وارث من گردان [یعنی آنها را تا وقت مرگم نگاه دار].»

[۳] اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي*، وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى. «خدایا گرفتاری‌ام را برطرف کن و زشتی‌ام را بپوشان و خطایم را بیامرزد و شیطانم را [با ذلت] بران و بدهکاری‌ام [رهین به دلیل خطایا] را ادا کن و برایم معبودا در آخرت و دنیا درجه‌ای برتر قرار ده.» * عورت: هرچه در آن خلی باشد که می‌ترسیم دشمن از آن داخل شود، هرچه انسان آن را برای حیا می‌پوشاند. مقصود: خدایا نقاط ضعفم را بپوشان.

[۴] اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَفَقِّنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَاخْلُقْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَدَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي،

وَبُذُنُوِي فَلَا تَفْضُخْنِي، وَبَسْرِيَرَتِي* فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي.

«خدایا از آنچه می ترسم مرا بس باش، و از آنچه پرهیز می کنم نگهداری کن، و در روح و روانم و دینم از من [در قبال نفس اماره و مصیبت در دین] نگهداری فرما، و مرا در سفرم نگهدار، و در خاندان و مالم جانشینم باش [تا غیر به حریم اهل و مالم داخل نشود]، و مرا در آنچه نصیبم فرمودی برکت (زیادت و رشد) ده، و در نزد خویش خوارم ساز، و در دیدگان مردم بزرگم کن، و از شرّ جن و انس سالم بدار، و به گناهانم رسوایم مساز، و به پنهانم خوار و بی مقدارم مکن، و به عملم [که عقوبت دنیوی یا اخروی بر آن مترتب باشد، یا وقتی عملم خالص برای تو نباشد] دچارم مساز، و مرا از نعمت های محروم مفرما [به سبب عدم شکر]، و به غیر خود واگذارم مکن.»

* یوم تبلی السرائر (طارق ۹)

[۵] إلهي إلی مَنْ تَكِلْنِي؟ إلی قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي؟ أَمْ إلی بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي؟ أَمْ إلی الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكُ أَمْرِي؟ أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إلهي فَلَا تُخْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ*، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي. «خدایا [برگرفته از دعای پیامبر وقتی اهل طائف با او بدرفتاری کردند]، مرا به که واگذار می کنی؟ [وکل الیه الامر: سلّمه و فوضه الیه و اکتفی به] به نزدیک تا با من به دشمنی برخیزد؟ یا به بیگانه تا با من با ترش رویی برخورد کند؟ یا به آنان که خوارم می شمرنند؟ (آنها که مستضعفم می کنند) و حال اینکه تو خدای من و زمامدار کار منی. من به تو شکایت می کنم، از غربتم و دوری خانه (آخرتم) و سبکی ام نزد کسی که اختیار کارم را به او دادی [کسی که در دنیا مافوق من است]. معبودم خشم را بر من فرود نیاور، اگر در مقام خشم کردن بر من نباشی، از غیر تو باک ندارم، منزّهی تو، جز اینکه عافیتت بر من گسترده تر است.»* و من یَحْلِلْ عَلَیْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه ۸۱) «هر که غضبم بر او وارد شود سقوط می کند.»

[۶] يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي*، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا، وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثَرَتِي، وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالْأَنْصَرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. «ای توشه‌ام در سختی‌ها، ای همراهم در تنهایی، ای فریادرسم در گرفتاری‌ها، ای سرپرستم در نعمت‌ها، تو پناهگاه منی زمانی که راه‌ها با همه وسعتشان درمانده‌ام کنند، و زمین با همه پهناوری‌اش بر من تنگ گیرد و اگر رحمت تو نبود، هر آینه من از هلاک شدگان بودم، و نادیده گیرنده لغزشم تویی و اگر پرده‌پوشی‌ات بر من نبود، هر آینه من از رسواشدگان بودم و تویی که مرا با پیروزی بر دشمنانم حمایت می‌کنی، و اگر یاری تو نبود هر آینه من از شکست‌خورده‌گان بودم.»* هو معکم اینما کنتم (حدید ۴)

[۷] يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسَفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَيَّ إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ. «ای صاحب احسانی (فیض) که هرگز قطع نگردد، ای آماده‌کننده کاروان برای نجات یوسف در سرزمین بی‌آب و گیاه و خارج‌کننده‌اش از چاه و قراردهنده‌اش بر تخت پادشاهی پس از دوره بندگی (یوسف ۱۹)، ای برگرداننده یوسف به نزد یعقوب پس از آنکه دو چشمش از اندوه نابینا شد (یوسف ۹۶) و دلش آکنده از غم بود (یوسف ۸۴)، ای برطرف‌کننده بدحالی و گرفتاری از ایوب (انبیاء ۸۳-۸۴)، ای گیرنده دست‌های ابراهیم از بریدن سر فرزندش، پس از سنّ پیری و به پایان آمدن عمرش (صافات ۱۰۷-۱۰۴).

[۸] يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُوسُفَ مِنْ بَطْنِ الْحَوْتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيَّ رَحْمَتِهِ، يَا

مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ عَدُوا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ، وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَقَدْ حَادُّهُ وَنَادُّهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ. «ای که دعای زکریا را اجابت کرد و یحیی را به او بخشید و او را بی کس و تنها وا نگذاشت (انبیاء ۸۹ و آل عمران ۳۷-۴۰)، ای که یونس را از دل ماهی در آورد (صافات ۱۴۴-۱۴۲ و انبیاء ۸۷-۸۸)، ای که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و آنان را نجات داد و فرعون و لشگریانش را از غرق شدگان قرار داد (طه ۷۷ و یونس ۹۰)، ای که بادهای را مژده دهندگانی پیشاپیش باران رحمتش فرستاد (روم ۴۶)، ای که بر عذاب نافرمانان از بندگانش شتاب نورزد (کهف ۵۸)، ای آن که ساحران روزگار موسی را از ورطه هلاکت رهانید، پس از سالیان طولانی که در انکار حق بودند و در عین حال متنعم به نعمت او رزقش را می خوردند و برای غیر او بندگی می کردند، با او مخالفت داشتند و برای او شبیه قرار داده بودند و پیامبران را تکذیب کردند (اعراف ۱۲۶-۱۱۳).»

[۹] يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي*، وَرَأَى عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَّدَنِي عِنْدِي لَا تُخْصِي، وَنِعْمُهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْآمِنِينَ. «ای که شکرم برای او اندک است ولی محروم نساخت، و خطایم بزرگ شد، پس رسوایم نکرد (ستار العیوب)؛ و مرا بر نافرمانی ها دید، ولی در بین مردم مشهور و سرشناسم ننمود؛ ای که در خردسالی حفظم نمود و در بزرگسالی رزقم داد، ای که عطاهايش نزد من شماره نشود و نعمت هایش تلافی نگردد، ای که با من به خیر و احسان روبرو شد و من با بدی و نافرمانی با او روبرو گشتم*، ای که به ایمان هدایتم نمود، پیش از آنکه سپاس نعمت هایش را بشناسم.» * خیرک الینا نازل، و شرنا الیک صاعد (دعای ابوحمزة).

[۱۰] يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي*، وَعُزِّيَانًا فَكَسَانِي، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي**، وَعَظْشَانًا فَأَرْوَانِي، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا

فَعَرَفَنِي، وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي، وَغَائِباً فَرَدَدَنِي، وَمُقِلّاً فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَغَنِيّاً فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ وَمِنَّتَكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا. «ای که در بیماری خواندمش پس شفایم داد، و در حال برهنگی پوشاند مرا (اعراف ۲۶)، و در حال گرسنگی سیرم کرد و در حال تشنگی سیرابم نمود، و در حال خواری عزتم بخشید (آل عمران ۲۶)، و در حال نادانی معرفتم داد، و در حال تنهایی افزونم نمود، و در حال غربت بازم گرداند، و در حال نداری دارایم کرد، و در یاری خواهی یاریام فرمود، و در ثروتمندی محرومم نکرد، و از درخواست همه این‌ها (از شفاء تا عدم سلب نعمت) باز ایستادم پس او شروع به عنایت بر من (بدون درخواست من) نمود، ستایش و سپاس تو راست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود و دعایم را اجابت کرد و عیبم را پوشاند و گناهام را آمرزید و مرا به خواسته‌ام رساند و بر دشمنم پیروز گرداند، اگر نعمت‌ها و عطاها و بخشش‌های بارزشت را برشمارم هرگز نمی‌توانم به شماره آرم.» * وَاذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (شعراء ۸۰). ** وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ (شعراء ۷۹)

[۱۷] يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْتَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِماً، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً أَبَداً. «ای سرور من، تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که نیکی کردی، تویی که زیبا نمودی، تویی که افزون نمودی، تویی که کامل کردی، تویی که روزی دادی، تویی که موفّق نمودی، تویی که عطا

کردی، تویی که بی‌نیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت نمودی، تویی که راهنمایی فرمودی، تویی که حفظ کردی، تویی که پرده‌پوشی نمودی، تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که توانمندی بخشیدی، تویی که کمک کردی، تویی که حمایت فرمودی، تویی که نیرو بخشیدی، تویی که نصرت دادی، تویی که شفا بخشیدی، تویی که سلامت کامل دادی، تویی که گرامی داشتی، بزرگ و برتری، حمد و شکر همیشگی تورا است.»

[۱۲] ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمُوقِفُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي. «سپس من معبودا اعتراف کننده به گناهانم هستم، پس مرا بیامرزد، منم که بد کردم، منم که خطا کردم، منم که قصد گناه کردم، منم که نادانی نمودم، منم که غفلت ورزیدم، منم که اشتباه کردم، منم که به غیر تو اعتماد کردم، منم که در گناه تعمد داشتم، منم که وعده کردم، منم که وعده شکستم، منم که پیمان شکنی نمودم، منم که اقرار کردم، منم که به نعمت بر خود و پیش خود اعتراف کردم و به گناهانم اقرار می‌کنم، پس مرا بیامرزد، ای آن که گناهان بندگانش به او زیانی نرساند و او بی‌نیاز از طاعت آنان است و توفیق‌دهنده کسی که از آنان به کمک و رحمتش عمل شایسته بجا آورد، تو را سپاس ای معبود من و آقای من و خدای من.»

[۱۳] إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ، وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ، فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ؟ أَسْمَعِي؟ أَمْ بَصَرِي؟ أَمْ بِلِسَانِي؟ أَمْ بِيَدِي؟ أَمْ بِرِجْلِي؟ أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ؟ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ

أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمَنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطْلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَى مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي، وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي. «فرمان دادی فرمانت را نخواندم، نهیم نمودی، مرتکب نهیت شدم، اکنون چنانم که نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم و نه دارای قدرتم تا یاری ستانم، ای مولای من با چه وسیله‌ای با تو روبرو شوم؟ آیا با گوشم، یا با دیده‌ام، یا با زبانم، یا با دستم، یا با پایم، آیا این همه نعمت‌های تو نزد من نیست؟ و من با همه این‌ها تو را معصیت کردم، ای مولای من، تو را بر من حجت و راه است، ای آن که مرا از پدران و مادران پوشاند از اینکه مرا از خود برانند، و از خویشان و برادران از اینکه مرا سرزنش کنند، و از پادشاهان از اینکه مجازاتم نمایند، مولای من اگر اینان آگاه می‌شدند، بر آنچه تو بر آن از من می‌دانی، در این صورت مهلت نمی‌دانند و مرا تنها می‌گذارند و از من می‌بریدند.»

[۱۴] فَهَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي، بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي، خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ، لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ، وَلَا حُجَّةٍ فَأَحْتَجُّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا، وَمَا عَسَى الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَأَنَّى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُبَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. «هم اینک ای خدای من در برابرت هستم، ای آقای من، فروتن و خوار، درمانده و کوچک، نه دارنده زمینه برائتم تا عذرخواهی کنم، و نه نیرویی که یاری بطلبم، و نه دلیلی که با آن بهانه و عذر بیاورم، و نه گوینده‌ای هستم که گناه و کار بد نکرده باشم، انکار گناه کجا؟ بر فرض اگر انکاری کردم، چه سود می‌داد، چگونه؟ و چسان این معنا ممکن شود و حال آنکه همه اعضا بر آنچه عمل کردم بر من گواه‌اند، به یقین دانستم بدون تردید که تو از کارهای بزرگ من پرسنده‌ای و تو حاکم عدالت‌پیشه‌ای هستی که در حکم و داوری ستم نمی‌کنی، و عدالت تو هلاک‌کننده

من است و من از همه عدالت تو گریزانم، معبودا اگر مرا عذاب کنی، به خاطر گناهان من است، پس از حجتی که بر من داری و اگر از من درگذری، به سبب بردباری و جود و بزرگواری توست، معبودی جز تو نیست من از ستمکارانم.»

[۱۵] اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ السُّوءَ*، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ، وَتَجَبِّرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ. «خدایا بیچارگان را پاسخ می دهی و بدی را برطرف می کنی، و به فریاد گرفتاران می رسی، و بیماران را درمان می کنی، و تهیدست را بی نیاز می گردانی، و شکست را جبران می نمایی، و به خردسالان رحم می کنی، و به بزرگسالان کمک می دهی، جز تو پشتیبانی نیست و فوق تو قدرتمندی وجود ندارد و تو برتر و بزرگی، ای رهاکننده اسیر در بند، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای پناه هراسنده پناه خواه، ای که برایت شریک و وزیر نیست.» * امن یجیب المضطر اذا دعاه ویکشف السوء (نمل ۶۲)

[۱۶] صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُهَا، وَآلَاءٍ تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. «بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در این شب به من عطا کن برترین چیزی که عطا کردی و نائل نمودی یکی از بندگان را، از نعمتی که می بخشی و عطاهایی که تجدید می نمایی و بلایی که برمی گردانی و رنجی که برطرف می کنی و دعایی که می شنوی و عمل نیکی که می پذیری و بدی و زشتی که می پوشانی، همانا به هر چه خواهی مهربان و آگاهی و بر هر کاری توانایی.»

[۱۷] اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ*، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَاكَ فَأَجَبْتَنِي، وَسَلَّطْتَكَ فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقَّعْتُ بِكَ فَتَجَبَّيْتَنِي، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي. «خدایا تو نزدیک ترین کسی هستی که خوانده شود، و سریع ترین کسی که جواب دهد، و بزرگوارترین کسی که گذشت کند و وسیع ترین کسی که عطا کند و شنواترین کسی که سؤال شود، ای مهربان دنیا و آخرت و بخشنده در هر دو، همانند تو سؤال شده ای نیست و غیر تو آرزو شده ای وجود ندارد، خواندمت، پاسخم دادی، از تو درخواست کردم عطایم نمودی و به سویت مشتاق شدم به من رحم فرمودی، به تو اطمینان کردم نجاتم دادی، و به تو پناهنده شدم کفایت نمودی.» * ونحن اقرب الیه من حبل الوريد (ق ۱۶)، و اذا سألک عبادی عنی فانی قریب أجیب دعوة الداع اذا دعان فليستجیبوا لی لعلهم یرشدون (بقره ۱۸۶).

[۱۸] اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ، وَقَدَرَ فَقْهَرَ، وَعُصِيَ فَسْتَرَى، وَاسْتُغْفِرَ فَعَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسَّعَ الْمُسْتَغِيثِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَجَلَمًا. «خدایا ای که مالک شد و توانست، و توانست و چیره شد، نافرمانی شد و پوشاند، از او آمرزش خواسته شد، آمرزید، ای هدف خواستاران مشتاق و نهایت آرزوی امیدواران، ای آن که در دانایی بر هر چیز احاطه دارد و در مهربانی و رحمت و بردباری خواهندگان گذشت از گناه را فرامی گیرد.»

[۱۹] اللَّهُمَّ فَصَّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ فَصَّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُنتَجِبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَاتٍ تُنْزِلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. «خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، آن چنان که محمد از جانب تو شایسته آن است، ای بزرگ، بر او و بر همه خاندان نجیب و پاک و پاکیزه اش درود فرست و ما را به گذشت از ما (به رحمت) بپوشان که

صداها با انواع لغات به جانب تو بلند است، خدایا در این شب برای ما این امور را قرار ده: از هر خیری نصیبی که میان بندگان تقسیم می‌کنی و نوری که با آن هدایت می‌نمایی و رحمتی که می‌گسترانی و برکتی که فرومی‌فرستی و تندرستی و عافیتی که بر اندام حیات بندگان می‌پوشانی و رزقی که می‌گسترانی، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

[۲۰] اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مُحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ. «خدایا ما را در این وقت از پیشگاه رحمت پیروز و رستگار و پذیرفته و بهره‌مند بازگردان و ما را از ناامیدان قرار مده و از رحمت با دست تهی و خالی مگذار و از آنچه از احسانت امیدواریم مبتلای به حرمان مکن و از رحمت محرومان منما و از افزونی آنچه از عطایت آرزو داریم ناامید مساز و ناکام باز مگردان و از درگاهت مران، ای بخشنده‌ترین بخشندگان و کریم‌ترین کریمان.»

[۲۱] اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاکْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، أَقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ. «خدایا آنچه را در این شب از تو خواستیم به ما عطا کن و کفایت آنچه را از تو خواستیم عهده‌دار باش که ما را کفایت‌کننده‌ای جز تو نیست و برای ما پروردگاری جز تو نمی‌باشد، قانونت بر ما نافذ است، داشت ما را فراگیر است، داوری‌ات درباره ما عادلانه است، خیر را برای ما حکم کن و ما را اهل خیر قرار بده.»

[۲۲] اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ، وَكَرِيمَ الدُّخْرِ، وَدَوَامَ الْيُسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. «خدایا پاداش بزرگ و ذخیره کریمانه و دوام آسایش را به حق جودت بر ما لازم گردان و گناهان همه ما را بیامرز و با هلاک‌شدگان هلاکمان مکن و مهربانی و رحمت را از ما باز مگردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.»

[۲۳] اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ، وَثَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَتَصَلَّ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. «خدایا در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آنان عطا فرمودی، و تو را شکر نمودند پس بر آنان افزودی، و به سویت بازگشتند و آنان را پذیرفتی، و به سوی تو از همه گناهانشان بیزاری جستند پس همه گناهانشان را آمرزیدی، ای دارای بزرگی و رأفت و محبت.»

[۲۴] اللَّهُمَّ وَنَقِّنَا وَسَدِّدْنَا وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْجِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ. «خدایا ما را پاک کن و به جانب راستی و درستی توجّه ده و زاری ما را بپذیر، ای بهترین کسی که درخواست شد و رحم کننده ترین کسی که از او رحمت خواسته شد، ای آن که بر هم نهادن پلک ها و دقّت نظر چشم ها بر او پوشیده نیست و آنچه در نهان مستقر شده و آنچه را پنهانی های قلوب در برگرفته از او پنهان نیست.»

[۲۵] اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي، وَأَعِثُّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْني، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ. «خدایا از روزی حلالت بر من وسعت ده و در تن و دینم سلامت کامل بخش و ترسم را امان ده و وجودم را از آتش آزاد کن، خدایا بلایت را به جرمه گناهانم بر من قرار مده و مرا به تدریج بر بدی هایم مؤاخذه مکن و مرا در خیالات باطم رها مساز و شر بدکاران جن و انس را از من دور کن.»

[۲۶] يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ، وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبَّ يَا رَبَّ... «ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان و ای سریعترین حسابرسان و ای مهربان ترین مهربانان، بر

محمد و خاندان محمد آن سروران با میمنت درود فرست و از تو درخواست می کنم خدایا حاجتم را که اگر آن را به من عطا کنی، بی شک هرچه را از من دریغ ورزی به من ضرری نرساند، و اگر برآوردن حاجتم را از من دریغ نمایی، آنچه را عطا می کنم سودی نبخشد، آزادی وجودم را از آتش از تو درخواست می کنم، معبودی جز تو نیست، یگانه ای، برای شریک نیست، فرمانروایی و ستایش ویژه توست و تو بر هر کاری توانایی، پروردگارا پروردگارا.»

بحث دوم. مهمترین مضامین دعای عرفه منسوب به امام سجاد (ع)

پرسش این بحث: مهمترین مضامین دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه (دعای عرفه) چیست؟ پنجاه و سه فقره از این دعا را برگزیده ام، با ترجمه. (۱۶) به این امید که در فرصتی دیگر توفیق شرح آنها را بیابم.

﴿۶۶﴾ اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ، وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ. «خدایا! این روز، روز عرفه است؛ روزی که آن را شرافت و کرامت و عظمت دادی؛ سفره رحمت را در آن گستردی و در آن به بخشش بر بندگان ممت نهادی و عطایت را در آن بزرگ کردی و به وسیله آن بر بندگان تفضل و احسان فرمودی.»

﴿۶۸﴾ ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ، وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ، فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَانَدَةَ لَكَ، وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى مَا حَذَرْتَهُ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِئاً لِعَفْوِكَ، وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا يَفْعَلُ. «سپس او را دستور دادی، ولی فرمان نبرد. از زشتی ها باز داشتی، ولی باز نایستاد. از گناهات نهی اش فرمودی، ولی دستورت را مخالفت کرد و به سوی نهی ات شتافت. نه از باب دشمنی با تو و گردنکشی در برابر تو؛ بلکه هوای نفسش او را به چیزی دعوت کرد که تواس از آن دور کردی و بر حذر داشتی؛ و دشمنی و دشمنش او را در این زمینه کمک داد تا در عین معرفت به تهدیدت بر گناه اقدام کند، در حالی که به بخشش امیدوار و به گذشت اطمینان داشت؛ در

صورتی که او با این همه محبتی که در حقش مبذول داشتی و این همه نعمتی که به او بخشیدی، سزاوارترین بندگانت بود که مرتکب نافرمانی نشود و قدم در عرصه گناه نگذارد.»

﴿٦٩﴾ وَهَذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِرًا ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا، مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحْمِلْتُهُ، وَ جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ، مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَا إِذَا بِرَحْمَتِكَ، مُوقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ، وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ. «اینک منم که در برابرت قرار دارم؛ خوار، ذلیل، فروتن، متواضع، ترسان و معترف به گناهان بزرگی که بر دوش برداشته‌ام و خطاهای سنگینی که مرتکب شده‌ام، در حالی که به رحمت پناهنده‌ام و به رحمت متمسکم. یقین دارم که امان دهنده‌ای مرا از عذابت امان نمی‌دهد و بازدارنده‌ای مرا از کيفرت باز نمی‌دارد.»

﴿٧٥﴾ ... فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَلَا يَنْدُهُ الْمُتْرَفِينَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ. «ای که در کيفر بدکاران شتاب نکردی و نعمت نازپروردگان غرق در عیش و نوش را منع ننمودی! ای که به گذشت از لغزش بر لغزش داران منت می‌نهی؛ و به مهلت دادن به خطاکاران، احسان می‌ورزی.»

﴿٧٦﴾ أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ. «منم بدکار، منحرف به گناه، خطاکار، لغزش‌دار.»

﴿٧٧﴾ أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا. «منم که از روی جرأت بر تو اقدام به گناه کردم.»

﴿٧٨﴾ أَنَا الَّذِي عَصَاكَ مُتَعَمِّدًا. «منم که از روی عمد تو را معصیت کردم.»

﴿٧٩﴾ أَنَا الَّذِي اسْتَخَفَى مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ. «منم که خود را به وقت گناه از بندگانت پنهان کردم؛ ولی آشکارا به مخالفت با تو برخاستم.»

﴿٨٠﴾ أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَأَمْنَكَ. «منم که از بندگانت ترسیدم؛ ولی خود را از تو ایمن و آسوده دیدم.»

﴿٨١﴾ أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطَوَتَكَ، وَلَمْ يَخَفْ بَأْسَكَ. «منم که از عذابت نه‌راسید؛ و از عقاب و خشم نترسیدم.»

﴿٨٢﴾ أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ. «منم که بر خود جنایت کردم.»

﴿۸۳﴾ أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَيْتِيهِ. «منم که در گرو بلاهای خود هستم».

﴿۸۴﴾ أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ. «منم که حیایم اندک است».

﴿۸۵﴾ أَنَا الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ. «و گرفتاری و رنجم طولانی است».

﴿۸۹﴾ وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدِّي طُورِي فِي حُدُودِكَ، وَتُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ. «و مرا به خاطر کوتاهی در

حَقّت و تجاوز از اندازه و قدم نسبت به حدودت و پا فرا گذاشتن از عرصه گاه احکامت، مؤاخذه مکن».

﴿۹۰﴾ وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ يَشْرُكْكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي. «و مرا به

مهلت دادنت به بلای استدراج مبتلا مگردان؛ [استدراج عبارت است از واگذاشتن عبد به خودش تا قدم به

قدم و کم کم به گناهش ادامه دهد و در عذابش شتاب نشود؛ تا خداوند ناگهان و غافل گیرانه او را فراگیرد].

مانند استدراج کسی که خیر و نیکی نزدش را، از من بازداشته؛ و برای تو در رسیدن نعمتش به من، حسابی باز

نکرده».

﴿۹۱﴾ وَتَبَهَّيْنِي مِنْ رَقْدَةِ الْغَافِلِينَ، وَسِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ. «مرا از خواب بی خبران و خواب آلودگی

اسراف کنندگان و چرت به خود واگذاشتگان بیدار کن».

﴿۹۲﴾ وَخُذْ بِقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَوِّنِينَ. «و دلم را در

مسیری بر که اطاعت کنندگان را به آن به کار گرفته ای و عبادت کنندگان را بر آن داشته ای و مسامحه کاران را

به آن نجات داده ای، متوجه گردان».

﴿۹۳﴾ وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ. «و مرا از آنچه موجب

دوری از تومی شود و میان من و بهره ام حائل می گردد و از آنچه نزد تومی جویم، بازمی دارد؛ پناه ده».

﴿۹۸﴾ وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبُلْوَى، وَأَجِرْنِي مِنَ اخْذِ الْإِمْلَاءِ. «و مرا از گرداب های فتنه

نجات ده و از آزمایش و آسیب سخت بلا رهایی ده و از غافلگیر شدن در عرصه مهلت پناه ده.»

﴿٩٩﴾ وَحُلِّ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يُضِلُّنِي، وَهَوَىٰ يُوبِقُنِي، وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي. «و بین من و دشمنی که گمراه می کند و

هوای نفسی که نابودم می نماید و کاستی و کمبودی که در تنگنایم قرار می دهد، فاصله انداز.»

﴿١٠٠﴾ وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَىٰ عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ. «از من روی مگردان، هم چون روی گرداندن از

کسی که پس از خشم، از او خشنود نمی شوی.»

﴿١٠١﴾ وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ. «و از امید به حضرتت ناامیدم مکن تا یأس

از رحمتت بر من چیره شود.»

﴿١٠٢﴾ وَلَا تَمْنَحْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَتَبْهَظَنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ. «و بیرون از تحمل و طاقتم، نعمت

به من عطا مکن که از فروزی محبتی که بر دوش جانم می گذاری، گرانبارم کنی.»

﴿١٠٣﴾ وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرسَالَ مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنَابَةَ لَهُ. «و مرا از دست لطف و رحمت

رها مکن؛ هم چون رها کردن کسی که خیری در او نیست و نیازی به او نداری و راه بازگشتی برایش وجود

ندارد.»

﴿١٠٤﴾ وَلَا تَرَمْ بِي رَمِيٍّ مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْحَزْنُ مِنْ عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ

الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ الْمَغْرُورِينَ، وَوَرَطَةِ الْهَالِكِينَ. «و مرا مانند کسی که از چشم مراقبت و حمایت

افتاده و هم چون کسی که رسوایی از سوی تو هم وجودش را فرا گرفته دور مینداز، بلکه مرا از لغزش از پای

درآمدگان و هول و هراس نسنجیدگان و لغزش فریب خوردگان و پرتگاه تباه شدگان، حفظ فرما»

﴿١٠٥﴾ وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ، وَبَلَّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَرَضِيتَ عَنْهُ،

فَأَعَشَّتُهُ حَمِيداً، وَتَوَقَّيْتُهُ سَعِيداً. «و از آنچه گروه مردان و زنان را به آن دچار کرده ای، سلامت و تندرستی ام بخش؛

و به مقامات و درجات کسی برسان که به او عنایت داشتی و نعمتش بخشیدی و از وی خشنود شدی و برایش زندگی ستوده و خوبی تدارک دیدی و او را سعادتمند از دنیا بردی.»

﴿۱۰۶﴾ وَطَوَّفَنِي طَوْقَ الْإِقْلَاعِ عَمَّا يُحِيطُ الْحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ. «و گردن بند قطع شدن از آنچه خوبی‌ها را تباه می‌کند و برکات را از بین می‌برد، به گردنم انداز.»

﴿۱۰۷﴾ وَأَشْعِرَ قَلْبِي الْإِزْدَجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَقَوَّضِحِ الْخُوبَاتِ. «و پرده بازایستادن از زشتی‌ها و رسوایی‌های گناهان را، بر قلبم بیپوشان.»

﴿۱۰۸﴾ وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ. «و مرا به کاری هم‌چون طلب رزق و روزی و پیگیری امور دنیا و مانند آن، که جز با کمک تو به آن نمی‌رسم، چنان سرگرم و مشغول مکن تا از عبادت و طاعتی که غیر آن، تو را از من خشنود نمی‌کند، باز مانم.»

﴿۱۰۹﴾ وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ. «و از سويدهای قلبم عشق دنیای پست را که مرا از آنچه نزد توست باز می‌دارد و از طلب وسیله برای رسیدن به پیشگاهت مانع می‌شود و از به دست آوردن مقام قرب به توبی‌خبری می‌کند، ریشه‌کن ساز.»

﴿۱۱۰﴾ وَزَيَّنْ لِي التَّفَرَّدَ بِمُنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ. «و تنها شدن برای راز و نیاز با خودت را در شب و روز نظرم بیارای.»

﴿۱۱۱﴾ وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ، وَتَفُكِّنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ. «و به من مقام عصمت و خود نگاه‌داری و پرهیزی که وجودم را به خشیت نزدیک می‌کند و از ارتکاب محرمات جدایم می‌سازد و از اسارت گناهان کبیره آزادم می‌کند، عطا کن.»

﴿۱۱۲﴾ وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ، وَأَذْهَبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِّبْ لِي بِسَرِّبَالٍ عَافِيَتَكَ، وَرَدِّني رَدَاءً

مُعَافَاتِكَ، وَجَلَّلَنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ وَظَاهَرَ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ. «و پاک شدن از آلودگی گناه را به من ببخش، و چرک خطاها را از وجودم بزدای، و مرا به جامه عافیت بپوشان، و ردای آسایش را در برم کن، و به نعمت‌های کامل و فراگیرت فراگیر، و احسان و نعمت را پی‌درپی به من برسان.»

﴿۱۱۳﴾ وَأَيَّدَنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ، وَمَرْضَى الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ. «و به توفیق و راهنمایی‌ات حمایتم فرما و بر نیت شایسته و گفتار پسندیده و عمل نیک یاری‌ام ده و مرا بدون قدرت و توانایی‌ات، به قدرت و توانایی‌ام وامگذار.»

﴿۱۱۴﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ، وَلَا تَفْضُخْنِي بَيْنَ يَدَيَّ أَوْلِيَائِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا يَكُ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتَّبِعَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ. «و روزی که مرا برای دیدارت برانگیزی خوار مکن و پیش روی دوستانت رسوا مساز و یادت را از خاطرم به دست فراموشی مسپار و نیروی ادای شکر را از من نابود مکن؛ بلکه در حالات فراموشی، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، مرا ملازم شکر و سپاسگزاری‌ات قرار ده و به من الهام کن که به ستایش بر آنچه عطایم کرده‌ای برخیزم و نسبت به احسانی که به من فرموده‌ای اقرار کنم.»

﴿۱۱۵﴾ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ. «شوقم را به سویت بالاتر از شوق مشتاقان و سپاسم را نسبت به حضرتت، برتر از سپاس سپاسگزاران قرار ده.»

﴿۱۱۶﴾ وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبِهْنِي بِمَا جَبَهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ، وَأَعُوذُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى، وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ. «و مرا هنگام نیاز به سویت وامگذار و به خاطر گناهانی که به پیشگاهت ریخته‌ام هلاکم مکن و آن گونه که با دشمنانت برخورد بد کردی، با من مکن؛ چرا

که من تسلیم و سرسپرده توام. می دانم که تو را بر من از هر جهت حجت است. تو از همه کس به بخشش سزاوارتری و به احسان خورده تری و شایسته تقوا و شایسته آمرزشی و به بخشش گناه شایسته تر از عذاب کردنی؛ و این که وجود مبارکت به پرده پوشی، از پرده دری نزدیک تر است.»

﴿۱۱۷﴾ فَأَحْيِي حَيَاةَ طَيِّبَةٍ تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ، وَتَبْلُغُ مَا أُحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأُمَتِّنِي مَيِّتَةً مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ. «بر این اساس مرا زنده بدار به زندگی پاکیزه ای که بر آنچه از خیر دنیا و آخرت می خواهم بپیوندد و به آنچه دوست دارم برساند؛ آن گونه که هیچ عملی که آن را ناپسند می داری، انجام ندهم؛ و آنچه را نهی کرده ای مرتکب نشوم؛ و مرا بمیران مانند میراندن کسی که نورش از پیش رویش و از جانب راستش، حرکت می کند.»

﴿۱۱۸﴾ وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا. «و مرا پیش رویت ذلیل و نزد بندگان عزیز کن. هنگامی که با تو خلوت می کنم، حقیر و پستم کن؛ ولی در میان بندگان بلندمرتبه ام فرما. از آن که از من بی نیاز است بی نیازم کن و بر نداری و تهیدستی ام در پیشگاه خود بیافزا.»

﴿۱۱۹﴾ وَأَعِزَّنِي مِنَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَمِنْ الدُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَعَمَّدَنِي فِيمَا أَظْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَا حِلْمُهُ، وَالْآخِذُ عَلَى الْحَرِيرَةِ لَوْ لَا أَنَاثُهُ. «و از سرزنش دشمنان و از فرود آمدن آزمایش و آسیب سخت و از خواری و رنج، پناهم ده. گناهای را که از من خبر داری، بر من بپوشان؛ آن گونه که توانای بر انتقام می پوشاند؛ توانایی که اگر بردباری اش نبود، انتقام می گرفت؛ و مؤاخذه کننده بر گناه بود، اگر مدارایش نبود.»

﴿۱۲۰﴾ وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لَوْذَاً بِكَ، وَإِذْ لَمْ تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ. «و زمانی که در حق قومی، فتنه یا بدی بخواهی، مرا از باب این که به تو پناه آورده ام، از آن فتنه و بدی

نجات ده؛ و چون مرا در دنیایت در جایگاه رسوایی به پا نداشتی، به همان صورت در جهان آخرت در چنان جایگاهی به پا مدار».

﴿۱۲۱﴾ وَاشْفَعْ لِي أَوَّلَ مَنِّكَ بِأَوَّخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدُّ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا تَسْمِنِي خَسِيسَةً يَضْغُرُ لَهَا قَدْرِي وَلَا نَقِيسَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا مَكَانِي. «برای من اوایل نعمت‌هایت را به اواخر آن و سودهای دیرینهات را با تازه‌های آن، توأم ساز. آن قدر مهلتم مده که در کنار آن سنگ‌دل شوم؛ و مرا دچار بلای کوبنده‌ای مکن که به سبب آن آبرویم از بین برود؛ و بر من داغ‌پستی و حقارت مزین که به خاطر آن ارزشم ناچیز شود؛ و کاستی و کاهشی در من قرار مده که به سبب آن قدر و منزلتم مجهول ماند.»

﴿۱۲۳﴾ وَاعْمُرْ لَيْلٍ بِإِقْظَاظِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ، وَتَجَرَّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْزَالِ حَوَائِجِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَائِكَ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ. «شبم را به بیدار کردنم برای بندگیات، تنهایی‌ام را برای شب زنده‌داری به خاطر حضرتت و مجرد بودنم را برای انس گرفتن به وجود مقدست و فرود آوردن حاجاتم به درگاهت؛ و روبه‌رو شدنم را با ذات مبارکت برای آزاد شدنم از آتش و پناه دادنم را از عذابت که اهل دوزخ در آن‌اند، آبادی زندگی‌ام قرار ده.»

﴿۱۲۴﴾ وَلَا تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيهَا، وَلَا فِي عَمْرَتِي سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ، وَلَا تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ، وَلَا نَكَالًا لِمَنْ اعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا تَمَكُّرِي فِي مَنْ تَمَكُّرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا، وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِحَلْفِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ. «و مرا تا زمان مرگم در سرکشی‌ام سرگردان و در گرداب نادانی‌ام بی‌خبر وامگذار؛ و بر اثر خلاف‌کاری‌ها، مایه‌پند برای کسی که پند‌پذیرد و عبرت برای کسی که عبرت‌گیرد و سبب‌فتنه و آزمایش برای کسی که دقت‌کند، قرار مده؛ و مرا

در زمره کسانی که به خاطر مکرشان کیفر می‌کنی، کیفر مکن؛ و در ایمان و عمل، دیگری را به جای من انتخاب مکن؛ و نامم را از دفتر سعادت‌مندان تغییر مده و بدنم را دگرگون مساز و مرا مورد استهزاء بندگانت و مسخره خود قرار مده؛ و مرا جز برای دنبال کردن خشنودیات و انتقام گرفتن از دشمنانت، به خدمت مگیر.

﴿۱۲۵﴾ وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ، وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ وَرَوْحَكَ وَرِيحَانِكَ، وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَتُخَفِّنِي بِتُخَفِّةٍ مِنْ تُخَفَّاتِكَ. «و مرا از لذت بخششت و شیرینی رحمت و روح و ریحانت و بهشت دائمیات، کامیاب کن؛ و به سبب گشایشی از توانگری‌ات، مزه فراغت از دل مشغولی نسبت به دنیا و آنچه در آن است و پرداختن به اموری که دوست داری و نیز طعم کوشش نسبت به آنچه عامل تقرب به پیشگاه تو و در نزد توست، به من بچشان؛ و ارمغانی از ارمغان‌هایت را نصیب من کن.»

﴿۱۲۶﴾ وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَاحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ، وَأَخْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوْفِي لِقَاءَكَ، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحاً لَا تُبْقِ مَعَهَا ذَنْباً صَغِيراً وَلَا كَبِيراً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً. «و تجارت‌م را سودمند و بازگشتم را به قیامت، بی‌خسارت قرار ده؛ و مرا از مقامت بیمناک و به لقایات مشتاق فرما و به من توفیق توبه عنایت کن؛ توبه‌ای خالص که با آن هیچ گناه بزرگ و کوچکی را باقی نگذاری و هیچ گناه آشکار و پنهانی را وامگذاری.»

﴿۱۲۷﴾ وَانْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَاعْظِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَذِكْراً نَامِياً فِي الْآخِرِينَ، وَوَافٍ بِي عَرَصَةَ الْأَوَّلِينَ. «و کینه مؤمنان را از دلم ریشه‌کن فرما و دلم را نسبت به فروتنان مهربان کن و با من چنان باش که با شایستگی؛ و به زیور پرهیزکارانم بیارای و برایم یاد خوبی در باقی ماندگان و آوازه روزافزونی در میان آیندگان قرار ده؛ و مرا از نظر مقام و منزلت، در عرصه‌گاه پیش‌تازان به ایمان و عمل درآور.»

﴿۱۲۸﴾ وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ، أَمْلاً مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي، وَسُقَى كَرَائِمِ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِرِي

الْأَظْيَيْنَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي رَزَيْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَجَلَّلَنِي شَرَائِفَ نَحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحِبَّائِكَ. «و گسترده‌گی نعمت را بر من کامل کن و کرامت‌های نعمت را نزد من پی‌درپی قرار ده. دستم را از عطاهایت پر کن و موهبت‌های گراندت را به سویم فرست و مرا همسایه پاکیزه‌ترین دوستان در بهشتی که برای برگزیدگان آراسته‌ای، قرار ده؛ و مرا به عطایای بزرگ در مقاماتی که برای عاشقان آماده کرده‌ای، ببوشان.»

﴿١٢٩﴾ وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا أَوْيَ إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَ مَثَابَةً أَتَبَوُّوْهَا، وَأَقْرُ عَيْنًا، وَلَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لِي قِسَمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَفِّرْ عَنِّي حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ. «و برایم نزد خود جایگاهی قرار ده که با دلی آرام در آن پناه گیرم و منزلی که در آن سکونت گزینم و دیده به آن روشن کنم و مرا با گناهان بزرگ مقایسه مکن و در آن روزی که رازها آشکار شود، هلاکم مساز؛ و هر شک و شبهه‌ای را از من پاک کن و از هر رحمتی به سوی حق راهی برایم قرار ده و نصیب ارمغان‌هایم را از عطایات سرشار فرما و بهره‌های احسان از فضل و بخشش را بر من فراوان کن.»

﴿١٣٠﴾ وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ دُحُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعِفَافَ وَالِدَّعَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالظَّمَانِيَّةَ وَالْعَافِيَةَ. «و دلم را نسبت به آنچه نزد توست مطمئن ساز و آهنگ و قصدم را برای آنچه که برای توست، از هر چیز دیگر فارغ کن؛ و مرا به کاری که بندگان خالصت را برای آن به کار گرفتی، به کار گیر؛ و قلبم را از طاعتت به هنگام غفلت عقل‌ها، نسبت به حقایق سیراب کن؛ و توانگری و پاک‌دامنی و آسایش و بهبودی و تندرستی، گشایش و آرامش و سلامت همه جانبه برایم گرد آور.»

﴿١٣١﴾ وَلَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ

الْطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ. «و خوبی‌هایم را با گناهی که با آن‌ها آمیخته می‌شود و خلوت‌هایم را به وسوسه‌ها و مفسادی که از طریق آزمایشت برایم پیش می‌آید، تباه مساز؛ و آبرویم را از این که دست‌گذاری نزد کسی از جهانیان دراز کنم حفظ فرما؛ و از درخواست آنچه نزد بدکاران است برکنارم دار.»

﴿۱۳۲﴾ وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيراً، وَلَا لَهُمْ عَلَى مُحَمَّدٍ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيراً، وَحُطِّنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَأَتَمِّمُ لِي إِعْطَاكَ، إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ. «و مرا پشتیبان ستم‌کاران و دست‌یار و یاور آنان برای نابود کردن قرآنت قرار مده؛ و از جایی که خود آگاه نیستم، چنان نگاهبانم باش که به سبب آن، از هر ناراحتی نگهداری‌ام کنی؛ و درهای توبه و رحمت و مهربانی و روزی گسترده را به رویم بگشا. من از مشتاقان به سوی توام. نعمت دادنت را درباره‌ام کامل کن، همانا تو بهترین نعمت‌دهندگانی.»

سخن آخر. در هر دو دعا معرفت خداوند؛ خودشناسی، اقرار به لغزشها و درخواست بخشش؛ دعا برای صالحان و پاکان؛ و حاجتها را نزد خداوند بردن آثار تربیتی و ماندگاری در زندگی مؤمنانه دارد. به این امید که در جلسات آینده توفیق بحث در این زمینه‌ها را پیدا کنم.

یادداشت‌ها:

۱. تاملی در ادعیه مشهور ماه رمضان (۲ مرداد ۱۳۹۵).
2. HOSSEIN MODARRESSI. Tradition and Survival: A BIBLIOGRAPHICAL SURVEY OF EARLY SHI 'ITE LITERATURE, VOLUME ONE. Oxford: OneWorld Publications, 2003, pp. 34-35.
- ترجمه فارسی نه چندان خوب آن: سید حسین مدرسی طباطبائی، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین، دفتر اول، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، چاپ دوم، قم، چاپ اعتماد، ۱۳۸۶.
۳. امالی شیخ طوسی، ص ۱۵-۱۸.
۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، قسمت اجازات، ج ۱۱۰، ص ۴۳ و ۶۰-۶۱. پاورقی مولف در پاسخ مناقشه مترجم [جعفریان]: پذیرش و اقبال وسیع بین مردم از قرن یازدهم منافاتی با وجود نسخ خطی امامی قبل از آن از این کتاب (از جمله نسخه ابن ادریس در قرن ششم ندارد).
۵. تحریر دیگری از این سند با اسامی متفاوتی در بخش انتهایی آن که در برخی از نسخه های کتاب آمده از اواخر قرن چهارم یا اواسط قرن پنجم شروع می شود. (مدرسی)
۶. رجال نجاشی، ص ۴۲۶ و فهرست شیخ طوسی ص ۱۷—۱۷۱.
۷. مقدمه کاظم شانه چی بر صحیفه سجادیه به نقل از دانشمند کتابشناس اوایل قرن دوازدهم میرزا عبدالله افندی در کتابش با عنوان الصحيفة الثالثة. (مدرسی)
۸. کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۴.
۹. به کوشش جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۹.
۱۰. به کوشش محمدباقر موحد ابطی اصفهانی، قم، ۱۴۱۱.
۱۱. تاملی درباره دعای عرفه منسوب به امام حسین، ویرایش اول: ۱۴ مهر ۱۳۹۳، ویرایش دوم: ۲۲ شهریور ۱۳۹۵.
۱۲. سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحديث.
۱۳. در هر دو دعا از ترجمه فارسی حسین انصاریان استفاده کرده ام با اصلاحات جزئی.

۱۴. در این جلسه از فقرات انتهایی دعا (علیرغم زیبایی‌شان) استفاده نکرده‌ام، به این دلیل که مطمئن‌ا از امام حسین (ع) نیست.

۱۵. فقرات دعای عرفه منسوب به امام حسین (ع) شماره ندارد. شماره‌های داخل گروه شماره مسلسل فقرات منتخب در این مجلس است.

۱۶. شماره‌های داخل پرانتز شماره فقرات رایج در صحیفه سجادیه رایج است.

سخنرانی مجازی به دعوت جمعی از دانشگاهیان ایرانی مقیم آمریکای شمالی

۲۷ تیر ۱۴۰۰، ۱۸ جولای ۲۰۲۱



kadivar.com

[/https://kadivar.com/18993](https://kadivar.com/18993)

kadivar.mohsen59@gmail.com

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.